امید عالیشاه در کانون داغ شایعات

«روح» پرسپولیس جدا می‌شود؟

مدت‌هاست که شایعه جدایی امید عالیشاه از پرسپولیس در محافل ورزشی به گوش می‌رسد. کاپیتان پرسپولیس در لیگ بیست‌وچهارم دوران پرفروغی نداشت و بیش از نیمی از مسابقات فصل را به دلیل آسیب‌دیدگی از دست داد. با این حال او از محبوبیت بسیار زیادی بین هواداران برخوردار است و به همین دلیل شایعات مربوط به جدایی‌اش، با حساسیت فراوان دنبال می‌شود. عصر دیروز و زمانی که این مطلب نوشته می‌شد، حرف و حدیث‌ها در این مورد به اوج رسیده بود؛ جایی که حتی برخی خبرگزاری‌های رسمی هم از نهایی شدن جدایی امید خبر دادند و یکی از آنها نوشت پادرمیانی و اصرار کمیته فنی باشگاه برای حفظ او، حتی تاثیر معکوس روی اسماعیل کارتال گذاشته و سرمربی ترکیه‌ای را سر لج انداخته است. احتمال جدایی عالیشاه از چند منظر قابل بررسی است که در این مطلب به آنها خواهیم پرداخت.

شایعه دخالت سروش

از مدت‌ها پیش سروش رفیعی متهم می‌شده است به اینکه در مسائل مختلف باشگاه دخالت می‌کند و محدوده اختیاراتش فراتر از یک بازیکن معمولی است. چرا؟ چون با یک هوادار پولدار که اسپانسر غیررسمی سرخ‌پوشان به شمار می‌رود ارتباط دارد و از این موضوع به عنوان یک اهرم برای نفوذ بیشتر سود می‌برد. بعد هم گفتند چون او تمایل دارد تبدیل به کاپیتان اول تیم شود، به زودی شاهد تسویه و خروج سایر بازیکنان قدیمی از اردوگاه قرمزها خواهیم بود. چنان که البته می‌دانید، خود رفیعی در یک مصاحبه بلند تلویزیونی حضور یافت و به این ابهامات پاسخ داد، اما داغ شدن دوباره شایعه جدایی عالیشاه، بار دیگر انگشت اتهامات را به سمت سروش روانه کرده است. در این میان رفیعی کوشید با انتشار یک استوری از تصویر عالیشاه در کنار وحید امیری و محمدحسین کنعانی‌زادگان، خودش را به عنوان حامی بازیکنان قدیمی و کاپیتان‌های پرسپولیس نشان بدهد. با این حال کتمان نمی‌شود کرد در صورتی که جدایی عالیشاه قطعی شود، ممکن است رفیعی هم از ترکش‌ها بی‌نصیب نماند.

قربانی جوان‌گرایی؟

نمی‌توان انکار کرد که حضور امید عالیشاه از جهت فنی به سود پرسپولیس است. نتایج سرخ‌پوشان در همین فصل، هنگام بودن و نبودن عالیشاه تفاوت فاحشی دارد. با این حال بعضی‌ها عقیده دارند او قربانی جوان‌گرایی در پرسپولیس خواهد شد. البته که کاستن از میانگین سنی قرمزها اقدامی ضروری است و بارها هم در این مورد مطلب نوشتیم، اما شروع این پروژه از کاپیتان ۳۳ ساله تیم که هنوز هم موثر و روپاست ویکی، دو فصل دیگر جا برای کار دارد، قدری عجیب به نظر می‌رسد. شگفت‌انگیزتر آن که گفته می‌شود باشگاه قصد تمدید قرارداد با وحید امیری ۳۷ ساله را دارد! آیا این یک تناقض بزرگ نیست؟

فراتر از یک بازیکن معمولی

در نهایت باید به این نکته توجه کرد که در پرسپولیس فعلی، امید عالیشاه فراتر از یک بازیکن معمولی، مهره موثر یا حتی ستاره اثرگذار است. شاید اغراق نباشد اگر این بازیکن را «روح» پرسپولیس بدانیم؛ آخرین بازمانده از نسل طلایی باشگاه که هر زمان در زمین بوده، با همه وجود بازی کرده و سرش را جلوی توپ گذاشته. تنها کافی است نقش عالیشاه در به ثمر رسیدن گل اول پرسپولیس مقابل استقلال در واپسین دربی تهران را به یاد بیاوریم؛ اینکه چگونه از گوشه زمین خودی با جنگندگی بالا توپ را از بازیکن حریف گرفت و با یک پاس عمقی محشر، علی علیپور را در موقعیت تک به تک با حسین حسینی و تحمیل یک خطای پنالتی قرار داد. پرسپولیس با کوچ احتمالی عالیشاه، چیزی بیشتر از یک بازیکن را از دست می‌دهد، مخصوصا حالا که تیم در فرآیند تغییر نسل قرار دارد و بازیکنان جدید نیاز به یک الگوی حاضر و مجسم دارند.

سقوط فدراسیون پنج ستاره

احوال شما آقای رئیس؟

آیا خاطرتان هست زمانی به فدراسیون فوتبال ایران لقب «پنج ستاره» داده شده بود؟ و آیا می‌دانید فلسفه اعطای آن عنوان (که اغلب هم از سوی خود فدراسیون‌نشین‌ها داغ می‌شد) چه بود؟ اینکه در یک مقطع زمانی تیم ملی بزرگسالان و چهار تیم پایه‌ای فوتبال ایران موفقیت‌های درخوری کسب کرده و اغلب موفق به صعود به مرحله نهایی مسابقات جام‌جهانی شده بودند. آن عنوان حسابی اهالی خیابان سئول را به وجد آورد و باعث شد مهدی تاج و شرکا هر جا می‌نشستند و بلند می‌شدند، حسابی برای خوشان نوشابه باز کنند.

آیا موافقید امروز با همان معیار که زمانی سنجه موفقیت آقایان بود، عملکرد فعلی‌شان را بازبینی کنیم؟ طرح چند سوال از مهدی تاج، رئیس فدراسیون می‌تواند خالی از لطف نباشد.

آقای تاج؛ از تیم ملی امید خبر دارید؟ اصلا به یاد دارید که فوتبال مملکت چنین تیمی هم داشت؟ بیشتر از یک سال از حذف اسفبار این تیم از بازی‌های آسیایی و نیز مرحله پیش‌مقدماتی مسابقات المپیک می‌گذرد. خود آن اتفاق، یک ناکامی بزرگ و دردناک بود و حالا این همه مدت رهاسازی آن تیم، بدون مربی و تشکیل اردو و برگزاری مسابقات تدارکاتی، یک سند جدی دیگر برای ناکارآمدی فدراسیون تلقی می‌شود. کجای دنیا یک تیم را این همه وقت به حال خود رها می‌کنند؟ بعد لابد قرار است دوباره در آستانه آغاز یک تورنمنت جدی دیگر، به صورت شتاب‌زده سرمربی تعیین کنید و اردو بگذارید و شکست بخورید و روز از نو، روزی از نو. خودتان از این چرخه نفرینی خسته نشدید؟

آقای تاج؛ از وضعیت تیم ملی جوانان رضایت دارید؟ تا جایی که ما دیدیم، این تیم با حسین عبدی در مراحل حذفی جام ملت‌های آسیا که همزمان مقدماتی جام‌جهانی هم بود، به ژاپن باخت و اوت شد. الان قبول دارید این یک ناکامی است یا باید پرچم افتخار را برداریم و بر سر در خانه بزنیم؟!

آقای تاج؛ از شرایط گهربار تیم ملی نوجوانان چه خبر؟ الحق که آن تیم، دنیا را آباد کرد! فقط کافی بود شاگردان عباس چمنیان از مرحله گروهی جام ملت‌های آسیا صعود کنند تا جواز حضورشان در جام‌جهانی ۴۸ تیمی صادر شود، اما همین امر ساده هم محقق نشد. آیا تن و بدن شما نمی‌لرزد از اینکه نوجوانان این مملکت، آینده‌سازان این فوتبال با کره‌شمالی مساوی کردند و دو شکست ۳ گله هم برای آنها در برابر عمان و تاجیکستان به ثبت رسید؟ حقیقتا اگر در پی همین یک فقره ناکامی از سمت‌تان استعفا می‌دادید، هیچ اتفاق غریبی رخ نداده بود؛ مخصوصا که شایعات جدی و ترسناکی در مورد استفاده از بازیکنان غیرفنی با انگیزه‌های مالی در مورد آن تیم وجود دارد. خب اصلا اینها به فدراسیون چه مربوط؟!

آقای تاج؛ با نتایج عزتمندانه تیم ملی فوتبال ساحلی چه می‌کنید؟ همان تیمی که عمدا به پرتغال باخت تا به برزیل نخورد، اما بلافاصله سنگال اوتش کرد! خبر دارید تیم ملی فوتسال بانوان هم از همین ترفند استفاده کرده و یک مساوی بد و زشت به میانمار داده تا در مرحله بعد به چین تایپه بخورد؟ از افت فنی این تیم که زمانی قهرمان آسیا بود خبر دارید؟ اصلا برای‌تان مهم است که همه تیم‌های ملی و باشگاهی فوتبال ایران در همه رده‌ها تا این اندازه نزول کرده‌اند و چنین سقوطی نمی‌تواند تصادفی و فاقد تحلیل باشد؟ راستی نقش شما به عنوان رئیس فدراسیون چیست؟ یعنی اگر تشریف نداشته باشید ممکن است چه اتفاق بدی رخ بدهد؟ مثلا در آن صورت ممکن است صدور حکم شکایت باشگاه پرسپولیس از علیرضا بیرانوند یک سال طول بکشد؟ نه، نه، این دیگر خیلی وحشتناک است، لطفا جایی نروید، تشریف داشته باشید تا از خدمات‌تان استفاده کنیم!

دیپورت کاپیتان تیم ملی

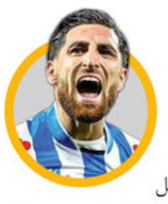

دنیای اقتصاد: علیرضا جهانبخش ۳۱ ساله به پایان حضور کوتاه‌مدتش در هیرنفین رسیده است. این در حالی است که برخی می‌گویند کاپیتان تیم ملی مصدوم هم هست و تا پایان فصل از میادین دور خواهد بود. مشخص نیست که جهانبخش چه مصدومیتی دارد، ولی ولدمن، سرمربی هیرنفین گفته دیگر روی این مهاجم تا پایان فصل حساب نمی‌کند. با توجه به اینکه قرارداد این بازیکن ایرانی رو به پایان است، به نظر می‌رسد همکاری او با هیرنفین بی‌سروصدا در حال پایان‌یافتن است و پس از ۱۹ بازی، این تیم هلندی دیگر علاقه‌ای به ادامه همکاری با وینگر ایرانی ندارد. جهانبخش سال گذشته به دنبال بازی برای یک تیم مطرح بود، اما به دلیل اینکه هیچ پیشنهاد مهمی نداشت، پس از چند ماه بدون تیم ماندن تصمیم گرفت مدت بیشتری را در لیگ هلند بماند تا حداقل پاسپورت این کشور را دریافت کند و حالا به پایان راه رسیده است.

زمان جشن تراکتور مشخص شد

دنیای اقتصاد: تیم فوتبال تراکتور در هفته آخر لیگ برتر روز پنج‌شنبه در اهواز میهمان استقلال خوزستان است. تراکتوری‌ها با ارسال نامه‌ای به سازمان لیگ درخواست کردند در صورت امکان این دیدار در تبریز برگزار شود تا آنها بتوانند مقابل طرفدارانشان جشن قهرمانی بگیرند. با این حال سازمان لیگ مخالف درخواست تراکتور بود و این دیدار در اهواز برگزار خواهد شد. پیش از این رئیس کمیته تدوین مقررات فدراسیون فوتبال در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها ضمن مخالفت با جابه‌جایی محل دیدار تراکتور-استقلال خوزستان عنوان کرده بود که این کار مبنای قانونی ندارد و نوعی بدعت خواهد بود. به همین دلیل هم رسانه باشگاه تراکتور با انتشار یک بیانیه اعلام کرد جشن قهرمانی این تیم روز جمعه از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در ورزشگاه یادگار امام تبریز برگزار می‌شود.

تساوی مصلحتی بانوان؟

دنیای اقتصاد: تیم ملی فوتسال زنان ایران در آخرین مسابقه‌اش در دور گروهی جام ملت‌های فوتسال آسیا روز گذشته برابر ویتنام به میدان رفت و متوقف شد. ملی‌پوشان ایران که در دو مسابقه قبلی خود فیلیپین و هنگ کنگ را شکست داده بودند، در شرایطی برابر ویتنام به تساوی بدون گل رضایت دادند که به این ترتیب پس از این کشور به عنوان تیم دوم گروه راهی دور دوم مسابقات شدند. در این شرایط شائبه‌ای مطرح شده که تیم ملی بانوان به دلیل قرار گرفتن در طرف آسان جدول، برابر ویتنام با تمام قوا به میدان نرفتند. ملی‌پوشان ایران در مرحله حذفی سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت، برابر چین‌تایپه به میدان می‌روند و در صورت پیروزی به نیمه‌نهایی صعود می‌کنند. هرچند باید دید این مصلحت‌اندیشی بانوان نتیجه می‌دهد یا مثل تیم ملی فوتبال ساحلی بابت اخذ این استراتژی به مشکل می‌خورند.

اوضاع اسفناک مسی و یاران

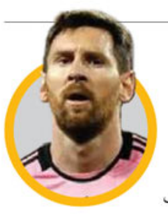

دنیای اقتصاد: بامداد روز گذشته و در دیداری از هفته دوازدهم رقابت‌های MLS، اینتر میامی میهمان مینه‌سوتا یونایتد بود و با نتیجه پرگل ۴ بر یک مقابل این تیم شکست خورد. لیونل مسی تک‌گل اینتر میامی را در دقیقه ۴۸ به ثمر رساند، اما نتوانست مانع از باخت سنگین تیمش شود. این چهارمین شکست اینتر میامی در پنج بازی اخیرش بود. با این شکست، اینتر میامی ۲۱ امتیازی باقی ماند و نتوانست از رتبه چهارم بالا بیاید. البته که شاگردان خاویر ماسکرانو یک بازی کمتر از تیم‌های بالاتر از خود انجام داده‌اند و با فرض پیروزی در آن بازی، آنها در رتبه سوم قرار خواهند گرفت. اینترمیامی که این روزها وضعیت چندان خوبی ندارد، چندی پیش از جام قهرمانان کونکاکاف حذف شد تا سیلی از انتقادات علیه خاویر ماسکرانو راه بیفتد. حالا با تداوم این نمایش ضعیف در لیگ، ماسکرانو تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته و حتی این احتمال وجود دارد که کاپیتان سابق تیم ملی آرژانتین شغل خود را به عنوان سرمربی اینترمیامی از دست بدهد.

ویژه

چند قاب از قهرمانی بایرن‌مونیخ

طلسم انگلیسی زور نداشت!

دنیای اقتصاد: قهرمانی بایرن‌مونیخ در بوندس‌لیگا از آن اتفاقاتی است که رخ دادنش کسی را متعجب نمی‌کند، اما اینکه سرانجام زور باواریایی‌ها به نحسی ستاره‌شان رسید، مورد مهم این روزهاست. هری کین به عنوان یکی از بهترین مهاجمان یک دهه اخیر دنیا، در آستانه ۳۲ سالگی نخستین قهرمانی خود در دنیای فوتبال را به دست آورد و به همین دلیل هم بود که وقتی در کنفرانس قبل از بازی با مونشن گلادباخ از سرمربی بایرن‌مونیخ پرسیدند چه کسی جام را بالای سر می‌برد، کمپانی پاسخ داد: «مانوئل نویر کاپیتان تیم است و توماس مولر آخرین بازی‌اش را در آلیانز آرنا انجام می‌دهد ولی هری کین هم نخستین کاپ قهرمانی‌اش را به دست آورده و شاید این وظیفه به او برسد!»

هرچند در نهایت بایرن با برتری ۲ برصفر برابر گلادباخ، یک جشن مبسوط گرفت و این‌بار به جای کاپیتان، مولر به پاس ۲۵ سال حضورش در تیم سپر قهرمانی را بالا برد و وداعش با هواداران را به بهترین شکل ممکن جشن گرفت. اما در کنار مولر که با ۷۵۰ بازی، ۲۴۸ گل و ۲۷۴ پاس گل برای آخرین بار با پیراهن باواریایی‌ها در آلیانز به میدان رفت، نگاه‌ها به دیگر مهاجم تیم هم بود؛ آقای گل بوندس‌لیگا یعنی هری کین. مهاجم بریتانیایی تابستان دو سال قبل در ۳۱ سالگی تیم دوران کودکی‌اش یعنی تاتنهام را پس از نزدیک به یک دهه ترک کرد تا بتواند حداقل یک جام بالای سر ببرد، اما در نخستین فصل حضورش در بایرن، اف.سی. هالیوود حتی در کسب جام همیشگی‌اش هم عاجز بود تا بسیاری ناکامی مونیخی‌ها را به طلسم کین ربط بدهند!

کاپیتان تیم ملی انگلیس امسال نسبت به پارسال گل‌های کمتری به ثمر رساند، اما توانست با وجود کنار رفتن از لیگ قهرمانان و جام حذفی، قهرمانی در بوندس‌لیگا را تجربه کند و به همین دلیل شادی او از همه ویژه‌تر بود. یک قاب جالب‌تر دیگر از قهرمانی بایرن هم سرمربی آن بود؛ ونسان کمپانی که فصل قبل در چنین روزهایی، با برنلی به چمپیونشیپ انگلیس سقوط کرد، اما به شکل عجیبی سر از نیمکت بایرن درآورد و حالا قهرمان آلمان شده و دنیا به کامش است؛ این اگر چرخش روزگار نیست، پس چیست؟

شایعه حضور سیدورف در ایران

اینک آخر زمان!

دنیای اقتصاد: طی روزهای اخیر، شایعات زیادی در خصوص حضور کلارنس سیدورف به عنوان مدیر ورزشی استقلال به گوش رسیده و حتی شایعه شده باشگاه با او به توافقات اولیه هم دست پیدا کرده تا با دستمزدی ۲۵۰ هزار دلاری طی یک فصل، هر ماه چند روزی را در تهران بگذراند. در شرایطی که سرمربی و شاید حتی مدیرعامل فصل بعد آبی‌ها هنوز مشخص نیست، ولی مدیریت دنبال آوردن سیدورف است، سنگ بزرگی که شاید مثل پروژه حضور والتر ماتزاری روی نیمکت علامت نزدن باشد، اما علی‌الحساب به این فکر کنید که یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال اروپا در باشگاه استقلال صاحب سمت باشد؛ چه شود!

سیدورف به عنوان تنها بازیکن تاریخ که با سه تیم مختلف قهرمان لیگ قهرمانان شده، رزومه قابل اتکایی در رئال مادرید، اینتر و میلان دارد و سرمربیگری در میلان و تیم ملی کامرون هم از جمله رزومه بعد از دوران بازنشستگی‌اش است. با این حال از زمان قطع همکاری با فدراسیون کامرون، او دیگر سمت تاثیرگذاری در تیم‌های ملی و باشگاهی نداشته و این یعنی از آخرین فعالیت مهمش حدود ۶ سال می‌گذرد. او این روزها عضو کمیته نظارتی فدراسیون فوتبال هلند است و حتی با وجود اینکه هیچ خبری از کنش‌هایش در این منصب به گوش نرسیده، شاید حتی همین قرارداد نصفه و نیمه‌اش مانع از همکاری با استقلال شود.

سیدورف مدت‌هاست به همراه همسر ایرانی‌اش در امارات سکونت دارد و به ترکیه هم سر می‌زند و حتی شاهد بودیم بابت یک پروژه تبلیغاتی چند سال قبل به ایران آمد. خلاصه که او این روزها مشخصا به چیزی بیشتر از فوتبال و پروژه‌های حرفه‌ای در این زمینه فکر می‌کند و هیچ بعید نیست حضورش در جمع آبی‌ها چند ماه هم بیشتر به طول نینجامد. شاید لفظ آخرالزمان را فقط نتوان برای اوضاع مدیریتی آبی‌ها با این اولویت‌های حیرت‌انگیز و البته کنج عزلت سیدورف و دوری‌اش از دنیای فوتبال به کار برد که سبب شده اکنون به استقلال لینک شود. پرده احتمالی بعدی، حتی از این هم عجیب‌تر می‌شود اگر تیم بازهم نتیجه نگیرد و پیشکسوت‌هایی که عمر حضورشان در تیم به دو فصل هم نمی‌رسد، علیه یکی از مشهورترین بازیکنان تاریخ استوری بگذارند!

چیزی در حد نمایش

روشن است که سیدورف و امثال او باید از حضور در ایران استقبال کنند. بسیاری از ستارگان نامدار جهان فوتبال بعد از بازنشستگی، از حضور در شغل‌های نسبتا تشریفاتی و کسب درآمد آسان لذت می‌برند. پیش از این بارها شاهد سفر بزرگان فوتبال جهان به ایران و شرکت آنها در برنامه‌های تلویزیونی و پروژه‌های تبلیغاتی در ازای دریافت پول بوده‌ایم؛ از لوتار ماتئوس بزرگ تا سالگادو و فیگو و فرانکو باره‌سی و دیگران. اصلا چرا راه دور برویم؟ همین آقای سیدورف سال گذشته میهمان برنامه تحویل سال تلویزیون ایران بود که البته شوخی مجری برنامه با عینک او هم خبرساز شد. قرار نیست از همین حالا و با نگاهی بدبینانه، پست گرفتن احتمالی سیدورف در استقلال را تا این حد تنزل بدهیم، اما واقع‌گرایانه باید گفت چنین احتمالی هم به‌طور جدی وجود دارد. مخصوصا وقتی از پست «مدیر ورزشی» سخن می‌گوییم، لازم است که دارنده چنین سمتی اشراف کامل بر شرایط فوتبال ایران داشته باشد و کم و کاستی‌های آن را بداند. این فرصت وجود ندارد که چند صد هزار دلار خرج سیدورف شود و تازه بعد از آن برسیم سر عدم تناسب افکار ایده‌آلیستی او با حقایق فوتبال ایران؛ جایی که گاهی در مورد زمین تمرین استاندارد هم دچار مشکل هستیم. بنابراین کاش چنین هزینه‌هایی در درجه اول صرف بهبود زیرساخت‌های فوتبال ایران شود؛ گرچه می‌دانیم امضای قرارداد با چهره جذابی مثل سیدورف، می‌تواند یک قاب دوست‌داشتنی و تاریخی برای مدیران باشگاه باشد!

عکس روز

صعود فاجعه‌آفرین

دنیای اقتصاد: هامبورگ به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پرافتخارترین تیم‌های آلمان، سرانجام توانست به غیبت ۷ ساله‌اش در بالاترین سطح فوتبال این کشور پایان بدهد. با این حال به محض پیروزی ۶ بر یک هامبورگ مقابل اولم در استادیوم فولکس‌پارک و قطعی شدن صعود به بوندس‌لیگا، هزاران هوادار به زمین بازی یورش بردند؛ اتفاقی که به گفته آتش‌نشانی شهر هامبورگ باعث مصدومیت ده‌ها نفر شد. براساس اعلام رسمی این نهاد، ۴۴ نفر در این جشن مصدوم شدند که از بین آنها ۲۵ نفر به بیمارستان انتقال یافتند؛ از میان این ۲۵ نفر، ۱۹ نفر به‌شدت مجروح شده‌اند و حال یکی از مجروحان بسیار وخیم است. به هرحال در شبی که استادیوم ۵۷ هزار نفری تیم جای سوزن انداختن نداشت و هواداران از شوق صعود به بوندس‌لیگا ۹۰ دقیقه مشغول جشن گرفتن بودند، می‌شد چنین پایان فاجعه‌آمیزی را هم حدس زد؛ تصویری که شاید کمتر در اروپا رخ بدهد. هامبورگی‌ها که مدت‌ها به عدم سقوطشان به دسته پایین‌تر می‌بالیدند، در شرایطی به رقابت با بزرگان برمی‌گردند که دوست ندارند مثل شالکه، دیگر مدعی فوتبال آلمان که در این سال‌ها اوضاع خوبی نداشته، تبدیل به آسانسور بین بوندس‌لیگای یک و دو شوند.